

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

صص ۷۵-۵۶

## تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی

دکتر محمدباقر قالیباف\* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

سید محمد یعقوبی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

ابوالقاسم محمودی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۱

### چکیده

منطقه خلیج فارس یکی از مناطقی است که جزو اهداف اصلی سیاست خارجی ایران می‌باشد. آنچه اهمیت منطقه را بیشتر کرده است، وجود ذخایر عظیم انرژی‌های فسیلی و دستیابی تقریبی تمامی کشورهای حاشیه آن به این ذخایر می‌باشد. وجود میادین مشترک نفتی و گازی، رقابت بر سر بازاریابی و فروش این محصولات و اختلاف نظرات فراوان بر سر میزان تولید نفت و گاز در مجامعی چون اوپک، موجب شده است که یک پدیده ژئوپلیتیکی بتواند بر سیاست خارجی میان کشورهای این منطقه تأثیری عمیق و قابل تأمل بگذارد. نتایج نشان می‌دهد با استناد به مطالعه سه عامل میادین مشترک، رقابت بر سر میزان تولید و دستیابی به ریاست اوپک، چالش‌های سیاست خارجی ایران در قبال انرژی‌های فسیلی می‌تواند در سه رویکرد شکل‌گیری و اجرا شود: رویکرد تقابلی، تعاملی و مسابقه. در منطقه خلیج فارس به دلیل تفاوت در نوع مسائل انرژی، شاهد رویکردهای مختلفی بوده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک انرژی، سیاست خارجی، انرژی‌های فسیلی، خلیج فارس.

## ۱- مقدمه

اتخاذ یک سیاست خارجی منطقی و صحیح همواره در پیشبرد اهداف مدنظر هر کشور به‌ویژه هدف اصلی یعنی تأمین منافع ملی، یک اصل مهم محسوب می‌شود. اساساً سیاست خارجی یک کشور به‌معنای پایه‌ها و استوانه‌هایی است که بر اساس قانون اساسی و مبانی نظری و عملی مشروعیت و مشروعیت‌یابی در یک کشور بنا شده‌اند (Sariolghalam, 2009: 22). بر این اساس سیاست خارجی عبارتست از مبانی نظری و الگوهای رفتاری یک دولت برای تبیین و تحصیل منافع ملی و امنیت ملی در برابر دیگر بازیگران رسمی و غیررسمی در صحنه بین‌المللی (Solymanimoghaddam, 2008: 15). سیاست خارجی، خود در سطوح مختلفی اعم از: سطح محلی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی قابل بررسی است که به تناسب هریک از سطوح، فرایند سیاست خارجی نیز متفاوت است. در این ارتباط یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی، نقش عوامل انسانی و طبیعی و به‌طور کلی جایگاه یک کشور در مجموعه نظام جهانی است که به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود (Etaat, 2006: 11). از این‌رو ژئوپلیتیک را می‌توان روش تحلیل میان عناصر جغرافیایی و فرایندهای سیاسی، تعریف نمود. عناصر جغرافیایی از ویژگی‌ها و الگوهای خاصی ترکیب یافته‌اند و فرایندهای سیاسی شامل نیروهایی در سطح بین‌المللی و سطح داخلی (که بر سطح بین‌المللی تأثیرگذار هستند)، می‌شوند (Cohen, 2009: 12).

منطقه خلیج فارس یکی از مناطقی است که به دلایل گوناگون جزو اهداف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد یعنی علاوه بر وجود مرزهای طولانی جنوبی ایران، وجود پدیده‌های ژئوپلیتیکی دیگر در این منطقه باعث دقت نظر افزون‌تر در استفاده از ابزار سیاست خارجی می‌باشد. آنچه بیش از سایر پدیده‌ها اهمیت این منطقه را بیشتر کرده است، وجود ذخایر عظیم انرژی‌های فسیلی و دست‌یابی تمامی کشورهای حاشیه آن به این ذخایر می‌باشد. وجود میادین مشترک نفتی و گازی، رقابت بر سر بازاریابی و فروش، رقابت بر سر اعمال نظر بیشتر در سازمان اوپک و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این بخش با اهداف خاص سیاسی از سوی برخی کشورها موجب شده است که این پدیده ژئوپلیتیکی (انرژی‌های

فسیلی) بر روابط خارجی کشورهای این منطقه تأثیری عمیق و قابل تامل بگذارد. به طور کلی این مقاله در پی یافتن چالش‌های ضمنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس ناشی از کارکردهای انرژی‌های فسیلی است.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- ژئوپلیتیک انرژی و رویکردهای آن

با توجه به این تعریف که ژئوپلیتیک به بررسی تأثیرات عوامل جغرافیایی بر تصمیمات سیاسی به منظور دستیابی به حداکثر قدرت می‌پردازد. در مفهوم ژئوپلیتیک انرژی، این عامل جغرافیایی همان انرژی می‌باشد که بر چگونگی تصمیم‌گیری و اقدامات سیاسی هر کشور تأثیرگذار است و در واقع این مفهوم به سنجش میزان تأثیرگذاری را در سیاست‌ها می‌پردازد. از این رو ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه آثار انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد. انرژی‌های فسیلی به‌ویژه نفت و گاز از آن حیث که در بیان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند (Hafeznia, 2006: 102). به همین دلیل رویکردهای مختلفی در این چارچوب در سطح جهان مطرح شده است:

**الف) رویکرد غرب:** توجه اصلی غرب کماکان معطوف به حوزه خلیج فارس می‌باشد و همچنان علاقمند به سرمایه‌گذاری‌های کلان در کشورهای نفت‌خیز منطقه یعنی عربستان، قطر و عراق به منظور جذب میلیاردها دلار درآمدهای حاصل از آن می‌باشد. امروزه خلیج فارس با ظرفیت تولید ۳۰ میلیون بشکه نفت در روز به تنهایی حدود ۴۰ درصد بازار نفت جهانی را در دست دارد و در صنعت گاز نیز به دنبال توسعه میدانی گازی مشترک پارس جنوبی و گنبد شمالی قطر که به‌عنوان بزرگترین میدان گازی جهان شناخته شده است، کماکان پیشرو می‌باشد. در مجموع رقابت‌های شدیدی میان قدرت‌های جهانی از یک طرف و کشورهای منطقه‌ای از طرف دیگر در محیط ژئوپلیتیک انرژی وجود دارد در این میان نقش آتی چند کشور از دیگر کشورها برجسته‌تر است (Amery, 2009: 210).

ب) **رویکرد بازیگران جدید:** رویکردهای کشورهای چین و هند به‌عنوان دو کشور مهم مصرف‌کننده انرژی و روسیه به‌عنوان یک قدرت مهم تأمین‌کننده انرژی در سطح بین‌المللی، از هر لحاظ شایسته بررسی دقیق می‌باشد.

ج) **چین:** نفت پس از زغال سنگ مهمترین منبع انرژی مصرفی چین محسوب می‌شود و در حدود ۲۵ درصد نیازهای این کشور را تأمین می‌کند. پیش‌بینی می‌شود که واردات نفت چین که در سال ۲۰۰۶ حدود ۴۵ درصد مصرف داخلی بود، در سال ۲۰۲۰ به حدود ۷۰ درصد برسد (chinaenergydilemma.com). به‌نظر می‌رسد که ایران می‌تواند به‌عنوان نزدیکترین کشور از نظر فواصل جغرافیایی، ارتباط داشتن چین با ایران و خلیج فارس از راه خشکی، دارا بودن بزرگترین ذخایر نفت و گاز جهان و داشتن موقعیت مناسب برای انتقال انرژی به‌صورت کریدور انتقال انرژی، می‌تواند در مقیاسی وسیع نیازهای انرژی چین را برآورده سازد و در راهبردهای آینده انرژی چین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد.

د) **هندوستان:** این کشور همانند چین در پی افزایش تقاضا برای انرژی، درصدد یافتن منابع متنوع نفت و گاز در مناطق مختلف جهان است. براساس برخی از پیش‌بینی‌های تا سال ۲۰۳۵ میلادی، کشور هندوستان که اغلب از آن به‌عنوان یک ابرقدرت اقتصادی در حال ظهور یاد می‌شود؛ به سومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل خواهد شد. در شرایط کنونی، هندوستان قادر است که فقط نیمی از گاز مورد نیاز خویش را از منابع داخلی تأمین کند. طبق گزارش وزارت انرژی آمریکا، هند ششمین مصرف‌کننده بزرگ انرژی جهان می‌باشد و در آینده‌ای نزدیک دومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی جهان پس از چین تبدیل خواهد شد. از این‌رو کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه ایران از جایگاه ویژه‌ای در راهبردهای انرژی هند برخوردار باشند. بر این اساس احداث خط لوله گاز از ایران به هند، در چارچوب راهبرد مذکور قابل ارزیابی و بررسی است. اجرای طرح مذکور، علاوه بر اینکه می‌تواند بخش مهمی از نیازهای انرژی هند را برآورده سازد، اثرات گسترده‌ای نیز در در روابط راهبردی آن کشور با ایران در پی خواهد داشت.

۵) روسیه: بزرگترین تولیدکننده نفت خارج از حلقه کشورهای عضو اوپک و بزرگترین دارنده ذخایر گاز در جهان می‌باشد. علاوه بر این روسیه دارای مهم‌ترین منابع انرژی در دریاست. گاز آن کشور از طریق خطوط لوله در حال حاضر حدود ۲۵ درصد نیازهای اروپا را تأمین می‌کند. براساس پیش‌بینی‌ها، وابستگی اروپا به گاز روسیه تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۶۰ درصد خواهد رسید (Jones, 2009: 67). اگرچه روسیه مانند آمریکا و چین برای تأمین نیازهای داخلی خود به واردات نفت و گاز متکی نیست، لیکن این کشور به انرژی به‌عنوان یک عامل مهم راهبردی در سیاست خارجی خویش می‌نگرد و در این راستا درصدد تداوم تسلط خویش بر خطوط انتقال انرژی به اروپا می‌باشد (Klare, 2008: 73).

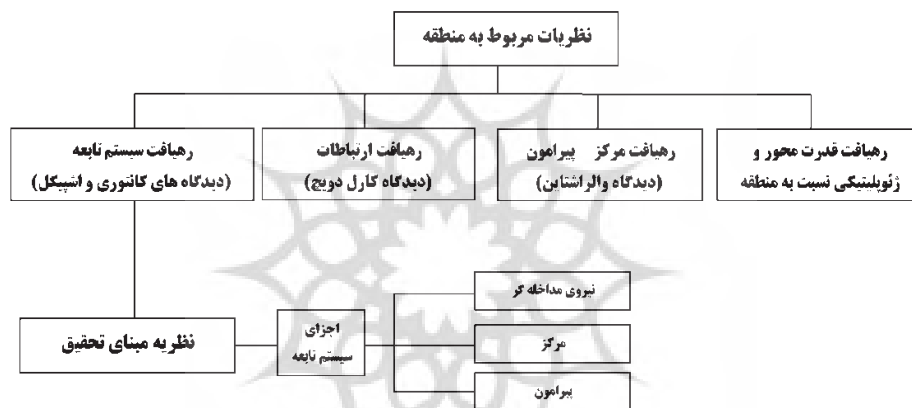
#### ۲-۲- منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس

منطقه ژئوپلیتیکی عبارتست از بخشی از سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی، آبی یا تلفیقی، که براساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد. منطقه ژئوپلیتیکی بر اساس یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد (Hafeznia, 2006: 111). در میان مناطقی که در بخش موسوم به خاورمیانه، به‌عنوان مناطق ژئوپلیتیک مستقل و متمایز شناخته می‌شوند، خلیج فارس مدل یگانه‌ای از یک منطقه ژئوپلیتیکی را ارائه می‌دهد. این منطقه مللی را شامل می‌شود که به‌لحاظ فرهنگی متفاوتند و از نظر مشغله‌های سیاسی، استراتژیک و اقتصادی هماهنگی و تجانس دارند. این منطقه در بر گیرنده کشورهای ایران، عراق، عربستان، کویت، امارات متحده، قطر و بحرین است (Mojtahedzadeh, 2003: 41).

#### ۲-۳- سیستم‌های نظریات منطقه

با توجه به ماهیت تحقیق که به بررسی تأثیرات ژئوپلیتیکی یک پدیده درون منطقه می‌پردازد، تمرکز نظریات، پیرامون بحث منطقه می‌باشد. در این فصل نظریات قدرت محور، مرکز-

پیرامونی، نگرش ارتباطی و رهیافت سیستم تابعه مورد بررسی قرار می‌گیرند. به هر حال باید به این جمع‌بندی دست یافت که منطقه خلیج فارس و چالش‌های انرژی آن در کدام یک از این نظریات جایگاه بهتری را پیدا می‌کند تا بر اساس انتخاب آن بتوان به یک چارچوب مفهومی صحیح دست پیدا کرد. با توجه به بررسی این نظریات در نهایت رهیافت سیستم تابعه کانتوری و اشیگل مورد انتخاب قرار گرفته است که در ادامه مطالب به صورت مختصر به آن اشاره می‌شود:



شکل شماره ۱: نظریات مربوط به منطقه

**الف: رهیافت قدرت محور و ژئوپلیتیکی نسبت به منطقه**  
 رهیافت قدرت محور و ژئوپلیتیکی از درون پارادایم واقع‌گرایی به منصفه ظهور رسیده است. اصولاً براساس پارادایم واقع‌گرایی، دولت ملی تنها بازیگر صحنه و هدف آن منافع و امنیت ملی است. از این جاست که مسائل بنیادی که به شکل‌گیری منطقه در این رهیافت منتهی می‌گردد، مطرح می‌شود.

**ب: رهیافت مرکز - پیرامون نسبت به منطقه (دیدگاه والرشتاین)**  
 والرشتاین به‌طور کلی طرحی ساختاری از سیستم جهانی را ارائه می‌کند. وی ریشه سیستم را

در قرن ۱۶ دانسته و عنصر اصلی و اساسی سامان‌یابی سیستم را در اصل تقسیم‌کاری می‌داند. در چنین طرحی سیستم جهانی به دو گونه اقتصاد جهانی و امپراتور جهانی تقسیم می‌شود که با توجه به پایان عمر امپراتوری‌ها، اقتصاد جهانی تنها سیستم جهانی موجود تصور می‌گردد که دارای مرزهای کارکردی-جغرافیایی بوده و ساختارهای مرکز-پیرامون و شبه پیرامون را در خود جای داده است (Wallerstein, 2005: 123).

### ج: رهیافت ارتباطات

«کارل دوپیچ» به‌عنوان واضع نظریه ارتباطات، متغیرهای اساسی تشکیل‌دهنده منطقه را در دو بخش اصلی شامل واحدهای تشکیل‌دهنده منطقه به‌عنوان واحد جغرافیایی کشور و ماهیت مرزهای منطقه در اثر تغییر در جریان مبادلات در دو نوع اساسی پله‌ای-کارکردی و آستانه‌ای بیان می‌کند (Ghasemi and Salehi, 2008:17).

### د: رهیافت سیستم تابعه

در دهه‌های اخیر به علت کاربرد نظریه عمومی سیستم‌ها، مفهوم سیستم تابعه به‌عنوان مفهوم تحلیلی مطرح گردیده است که بخشهای تشکیل‌دهنده سیستم بین‌الملل را نشان می‌دهد. در این میان ویلیام تامپسون، برچر، کانتوری و اشپیگل بیش از همه به این موضوع توجه نموده‌اند. در این چارچوب کانتوری و اشپیگل، منطقه را به‌عنوان سیستم تابعه در سیاست بین‌الملل مطرح می‌کنند. اینان قبل از هر چیز به ترسیم عرصه‌های سیاست بین‌الملل پرداخته و آن را به سه عرصه جهانی، منطقه‌ای و کشوری تقسیم می‌نمایند. بر این اساس سه نوع سیستم مسلط، تابعه و داخلی شکل می‌گیرد. سیستم مسلط در عرصه جهانی وجود داشته و قدرتمندترین کشورها را در بر می‌گیرد. همچنین سیستم تابعه، روابط متقابل را درون منطقه شامل خواهد شد و این درحالی است که سیستم داخلی شامل کشور و سازمان‌های آن می‌باشد. بر این اساس، منطقه ناحیه‌ای از جهان است که واحدهای تشکیل‌دهنده آن، از لحاظ جغرافیایی در مجاورت با یکدیگر قرار گرفته و امور مربوط به سیاست خارجی آنها به یکدیگر مرتبط و در

منطقه از متغیرهای تعیین کننده سیاست خارجی واحد منطقه‌ای به‌شمار می‌رود. کانتوری و اشیگل با توجه به چهار متغیر سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط، سیستم تابعه را نیز به سه بخش اساسی زیر تقسیم می‌کنند: بخش مرکزی، بخش پیرامونی، بخش مداخله‌گر (Hejazi, 2010: 51).

### ۳- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر ماهیتی؛ توصیفی-تحلیلی دارد که در آن، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای، مقالات، پایگاه‌های اینترنتی و مصاحبه فراهم شده است.

### ۴- یافته‌های تحقیق

#### ۴-۱- رقابت‌های منطقه‌ای در خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی

##### ۴-۱-۱- میادین مشترک نفت و گاز ایران در چهار منطقه خلیج فارس

منابع نفت و گاز مشترک در معنی موسع خود مخازن یا میدان‌های نفتی و گازی هستند که از مرزهای سرزمینی و سیاسی یک کشور عبور کرده و وارد مرز کشوری دیگر شده‌اند و به‌عبارت دیگر در محدوده مرزهای جغرافیایی بیش از یک کشور قرار گرفته‌اند و یا در مناطق فاقد تحدید حدود مرزی قرار گرفته که دولت‌های متعددی ادعای حاکمیت و مالکیت آنها را دارند (Mirabbasi and Jahani, 2011: 93). اهمیت خلیج فارس به‌دلیل وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و نیز نقش پررنگ آن در ژئوپلیتیک انرژی جهان، برکسی پوشیده نیست. در این میان، آن بخش از ذخایر عظیم نفت و گاز در محدوده فلات قاره که تحت حاکمیت دو و یا چند دولت مستقل قرار گرفته و به‌عنوان «میادین مشترک» بهره‌برداری از آنها به‌صورت ویژه‌ای انجام می‌شود، این اهمیت را دوچندان می‌سازد (Darveshi and Nojome, 2007:167). در منطقه خلیج فارس ایران در چهار منطقه دارای میادین مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه است که برای برداشت از این میادین درگیر رقابتی شدید با رقبای منطقه‌ای است. از این چهار منطقه، منطقه اول میدان هیدروکربنی هستند که در خلیج فارس واقع شده‌اند و بنابر عنوان



پژوهش در این جا تنها به این منطقه می‌پردازیم. میدان پارس جنوبی و ۱۲ میدان نفتی و گازی مشترک با کشورهای قطر، عمان، امارات، کویت و عربستان در این دسته قرار دارند. در منطقه خلیج فارس ایران دارای چندین میدان مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه است که برای برداشت از این میادین رقابتی شدید بین کشورهای منطقه وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد به صورت ذاتی برای به حداکثر رساندن منافع ملی هر کشور درصدد برداشت بیشتر از این میادین می‌باشد. علاوه بر این رقابت ذاتی، منازعه‌های سیاسی ایران و نیروی مداخله‌گر باعث شده است این رقابت از ظرفیت خود فراتر رفته و تشدید شود. سرمایه‌گذاری‌های کلان کشورهای قدرتمند در پروژه‌های نفتی و گازی کشورهای رقیب با هدف دستیابی به منافع بیشتر از طرفی و کنترل دستیابی ایران به منافع حداکثری از طرف دیگر می‌باشد.

#### ۲-۱-۴- رقابت کشورهای حوزه خلیج فارس بر سر میزان تولید

رقابت‌پذیری از جمله مباحثی است که طی چند دهه اخیر توجه بسیاری از محققین و سیاست‌گذاران را به سمت خود معطوف کرده است. در دنیای امروز و با گسترش پدیده جهانی شدن، کشورها تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرند و از همه ظرفیتهای شان استفاده می‌کند تا بتوانند با ارتقاء توان رقابت‌پذیری به کسب سهم بیشتر از بازارهای بین‌المللی نائل آیند.

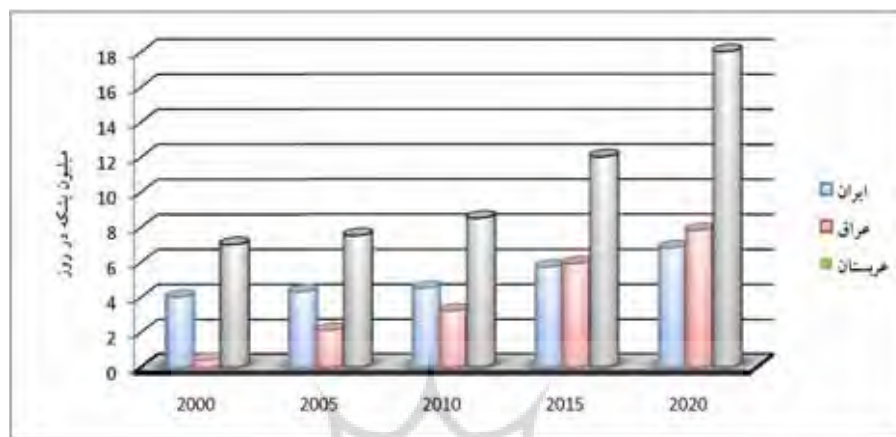


شکل شماره ۲: توان رقابت‌پذیری کشورها با ایران در تولید انرژی‌های فسیلی خلیج فارس

اختلاف‌هایی که امروزه بین قدرت‌های نفتی منطقه وجود دارد بیشتر به نزاع‌های سیاسی می‌ماند تا رقابت اقتصادی. با این همه بی‌دلیل نیست اگر تأکید کنیم که بازار نفت و اوپک هم تحت تأثیر این نزاع سیاسی قرار خواهد گرفت و در واقع این عامل، سیاست‌های خارجی این کشورها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در میان کشورها به هر حال عربستان بزرگترین تولیدکننده نفت می‌باشد و در سازمان اوپک، ایران جایگاه دوم را در اختیار دارد. در بازار داغ تحولات منطقه‌ای صحبت از این است که عراق به سهمیه‌بندی اوپک بازمی‌گردد یا خیر. برخی تحلیل‌گران بر این باورند که این بازگشت زمینه‌ای را برای رقابت ایران و عراق پیش خواهد آورد. «عراق در یازدهمین ماه سال ۲۰۱۱ میلادی به‌طور متوسط ۲ میلیون و ۶۸۱ هزار بشکه نفت خام در روز تولید کرد و بنا دارد در کوتاه‌مدت تولید نفت خود را در پایان سال ۲۰۱۲ میلادی به سه میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه برساند» (Shargh Newspaper, 23 Sep, 2011).

جدول شماره ۱: توانایی تولید نفت کشورهای منتخب خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰ میلادی (میلیون بشکه در روز)

سال	کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
ایران	۴	۴/۳	۴/۵	۵/۷	۶/۸	
عراق	۰/۴	۲/۱	۳/۲	۵/۹	۷/۸	
عربستان	۷	۷/۵	۸/۵	۱۲	۱۸	
مجموع سه کشور	۱۱/۴	۱۳/۹	۱۶/۲	۲۳/۶	۳۲/۶	
خلیج فارس	۲۱/۶	۲۴/۴	۲۸/۶	۳۸/۴	۴۹/۸	
اوپک	۳۲/۳	-	۴۲/۳	۵۲/۷	۶۳/۳	



شکل شماره ۳: مقایسه توانایی تولید نفت ایران، عراق و عربستان تا سال ۲۰۲۰ میلادی ( Nasri, 2001: 135)

مطابق جدول شماره ۱ و شکل شماره ۳ می‌توان گفت که سیر تولید نفتی ایران، عربستان و عراق سیر صعودی خواهد داشت و تا پایان سال ۲۰۲۰ ایران از مجموع ۶۳/۳ میلیون بشکه تولید کشورهای اوپک ۶/۸ میلیون بشکه تولید خواهد داشت. در حالی که در همین مدت عربستان سعودی توان تولید و صدور ۱۸ میلیون بشکه در روز را دارا خواهد بود. عربستان سعودی با یک سوم جمعیت ایران درآمدی سه برابر ایران را به دست خواهد آورد و رفع این فاصله مستلزم تعامل با کشورهای عمده صنعتی و صاحب تکنولوژی جهان و همچنین اعمال تغییر و باز تعریف در سیاست خارجی ایران در چارچوب ژئوپلیتیک انرژی می‌باشد تا بتوان با به‌کارگیری سرمایه‌های بین‌المللی منافع ملی کشور را حفظ نمود.

### ۳-۱-۴- رقابت کشورهای حوزه خلیج فارس بر سر دست‌یابی به ریاست اوپک

از آنجا که مؤسسين اوپک کشورهای نفتی بوده و بالاترین ارکان آن شورای وزیران است، بعضاً می‌توان آن را مؤسسه‌ای سیاسی دانست که وظایفی اقتصادی همچون تعیین سقف و سهمیه تولید و بیان قیمت هدف را به انجام می‌رساند. طبعاً با چنین ویژگی‌هایی تصمیمات اقتصادی و تجاری اوپک نیز نمی‌تواند از ملاحظات و مصالح سیاسی اعضای آن به دور

باشد (Heshmatzadeh, 2010: 114). در این میان دبیرکل اوپک به‌عنوان رئیس دبیرخانه سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، به‌دلیل ویژگی مقام خود، همواره در معرض توجه چشمگیر همگان به‌ویژه در طول جلسات عالی اوپک بوده است و با ایجاد امکان حضور شخص دبیرکل در کنفرانس‌های بین‌المللی حوزه انرژی یکی از پست‌های کلیدی اوپک محسوب می‌شود که کشورهای مؤثر این سازمان در هر دوره‌ای برای انتخاب کاندیدای کشورشان تلاش‌های زیادی کرده‌اند. ایران به‌عنوان یکی از اعضای اوپک و به‌دلیل نیاز به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، به‌شدت تحت تأثیر فرآیندهای جهانی بوده و نیازمند حضور فعال در عرصه جهانی نفت می‌باشد (<http://www.csr.ir>). آنچه که نقش دبیرکلی را برای ایران و دیگر کشورهای عضو اوپک با اهمیت کرده است، کسب وجهه و برخورداری از این امتیاز ویژه در سطح جهانی است. از سال ۱۹۸۳ میلادی؛ یعنی بعد از اینکه هر کدام از کشورهای عضو اوپک توانستند برای یک بار سمت دبیرکلی اوپک را تصاحب کنند، انتخاب دبیرکل بر اساس اجماع وزرا صورت گرفته است. از آن سال تاکنون دو قدرت اول اوپک، یعنی ایران و عربستان تلاش کرده‌اند که برای بار دوم این سمت را به‌دست بگیرند، اما به‌دلیل به اجماع نرسیدن نظرات و آرای سایر وزرا این امر در حال حاضر صورت نگرفته است (<http://mellatonline.net>).

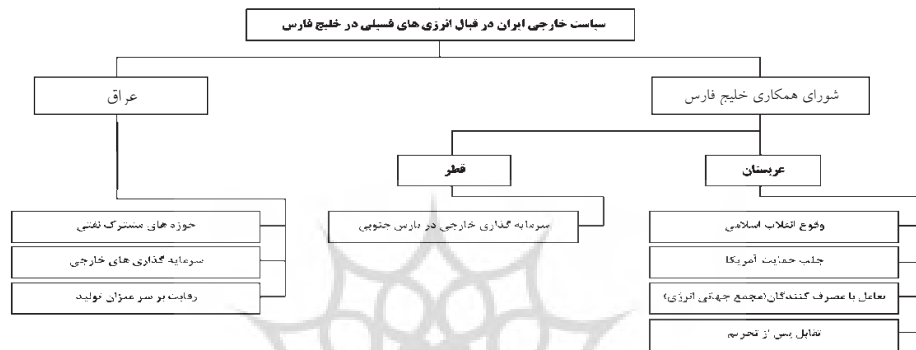
دستیابی ایران به دبیر کلی اوپک نه تنها ارتقای وجهه ایران در عرصه بین‌المللی را به‌دنبال دارد، بلکه اداره دبیرخانه اوپک در اختیار ایران قرار می‌گیرد و لذا تحقیقات در دبیرخانه به سمتی هدایت می‌شود که مورد نظر ایران است اما با توجه به اختلافات موجود میان ایران و آمریکا از یک‌سو و رقابت، حسادت و حتی دشمنی برخی کشورهای عربی با ایران از سوی دیگر، دستیابی به این سمت برای ایران با مشکلاتی مواجه می‌باشد. با توجه به اهمیت انتخاب دبیرکل برای اوپک و ایران، اعضای اوپک تمایلی به پذیرش دبیرکلی ایران نشان نداده‌اند و احتمال قبول آن دور از انتظار به‌نظر می‌رسد، زیرا این نگرانی وجود دارد که دبیرکلی ایران به پیچیده‌تر شدن اوضاع اوپک و تحریک حساسیت کشورهای غربی و آمریکا که از مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آیند، منجر شود. بی‌تردید، آمریکا به‌خاطر کسب و کار

شرکت‌های نفتی‌اش در میان کشورهای عربی اوپک نفوذ زیادی دارد و می‌تواند از آن به‌عنوان اهرمی برای رد نامزد ایرانی معرفی شده استفاده نماید. گذشته از موضع آمریکا، مشکل دیگر ایران در اوپک برای دستیابی به سمت دبیرکلی، به کشورهای عربی، از جمله عربستان، امارات و ... باز می‌گردد. مسائل بین این کشورها با ایران چند بعدی است و علاوه بر حس رقابت و دشمنی، نوعی حس حسادت را نیز شامل می‌شود. حس رقابت و دشمنی کشورهای عربی حتی پیش از انقلاب اسلامی نیز مشهود بود، چرا که عربستان توانست سه دوره سمت دبیرکلی را از آن خود نماید در حالی که ایران در آن سال‌ها نیز نتوانست به این امر دست یابد (<http://www.csr.ir>).

##### ۵ - تجزیه و تحلیل

با توجه به مباحث مطرح شده، انرژی‌های فسیلی در شکل‌دهی رفتارهای سیاسی کشورها در منطقه خلیج فارس به‌دلیل اتکای اقتصاد آنها به این انرژی‌ها بسیار تأثیرگذار هستند. به‌عبارت دیگر انرژی‌های فسیلی به‌طور ذاتی این ظرفیت را دارد که در صورت عدم تحریک توسط عاملی دیگر به‌تنهایی درصد بسیار بالایی از کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی را در منطقه شکل دهند چرا که مسئله‌ای مانند میادین مشترک نفتی و گازی به‌صورت صرف، محل رقابت و تقابل یا تعامل رفتار سیاسی میان کشورهای مشترک در آن است و این خود نیازی به عامل دیگر جهت به‌فعالیت رساندن این ظرفیت ندارد. در تجزیه و تحلیل مسائل پیرامون انرژی‌های فسیلی در خلیج فارس مشاهده می‌شود سیاست خارجی ایران در قبال انرژی‌های فسیلی خلیج فارس در چارچوب دو عامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عراق قرار دارد (شکل شماره ۴). با توجه به شکل شماره ۴ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عراق مسائل مختلفی در ارتباط با ژئوپلیتیک و انرژی‌های فسیلی در برابر سیاست خارجی ایران قرار داده‌اند. علاوه بر موارد ذکر شده، عوامل تشدید کننده دیگری نیز وجود دارند که حتی با اندکی دخالت در ساختار موجود، کارکرد سیاسی آن را در این منطقه به‌شکل بسیار مشهودی دچار تغییر می‌کنند. به‌عبارت دیگر میزان مشخصی از این دخالت نتیجه‌ای بیش از آن

میزان را در پی دارد. بنابراین مجموع این عوامل باعث شکل‌گیری نتایجی بسیار پیچیده، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد.



شکل شماره ۴: تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال انرژی‌های فسیلی منطقه خلیج فارس

در سیستم تابعه خلیج فارس نیروی مداخله‌گر به‌عنوان عامل دوم، همواره موضعی بوده است که در صورت عدم وجود این عامل، به شکل‌های دیگری بروز پیدا می‌کردند. نیروی مداخله‌گر با مداخله در اصلی‌ترین عامل ژئوپلیتیک این منطقه، یعنی انرژی‌های فسیلی زمینه رفتارها، رقابت‌ها و درگیری میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به‌صورت جدی به‌وجود آورده است. با توجه به این موضوع که کشورهای مرکزی در سیستم تابعه خلیج فارس و در رأس آن عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره با نوعی بدبینی نسبت به ایران، برداشت متفاوتی از مفاهیمی چون امنیت، انرژی و ارتباط با جهان ابرقدرت داشته و دارند. از این‌رو راه پیگیری برداشت‌های خود را در برقراری روابطی گرم و دوستانه با نیروی مداخله‌گر می‌بینند و زمینه را برای حضور این نیرو در اصلی‌ترین بخش اقتصادی-سیاسی خود یعنی انرژی فراهم می‌کنند. بنابراین میان منافع ملی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تعارض و تضاد به‌وجود می‌آید. بدیهی است که در سیاست خارجی به‌عنوان ابزار دستیابی به این منافع بروز این تعارض و تضاد دور از ذهن نخواهد بود. با

توجه مسائل مورد بررسی در این مقاله، سیاست خارجی ایران با توجه به عامل انرژی‌های فسیلی می‌تواند در سه قالب شکل‌گیری و اجرا شود (جدول شماره ۲).

### الف) رویکرد اول؛ تقابل

سیاست خارجی تقابلی با توجه به زمینه موجود و اختلافی که بر سر موضوع خاصی شکل می‌گیرد و همچنین کشور مقابل یعنی کشوری که این اختلاف را به وجود می‌آورد و می‌تواند ایجاد شود. به عبارت دیگر مجموع دو عامل نوع مسئله و نوع رابطه با کشور ممکن است سیاست خارجی تقابلی را در قبال آن کشور به ظهور برساند. در شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی، ایران با توجه به این دو متغیر گاه رویکرد تقابلی را انتخاب کرده است. یعنی آنجا که هم مسئله و هم کشور مدنظر ایجاب می‌کند، سیاست خارجی تقابلی را در دست‌یابی به منافع حداکثری مناسب دانسته است. در منطقه خلیج فارس روابط سیاسی عراق با ایران در برهه‌های مختلف زمانی دارای فراز و نشیب‌های مختلفی بوده است. مثلاً در دوره حکومت صدام حسین نوع روابط ایران با این کشور در بدترین شرایط خود (جنگ هشت ساله) قرار داشت ناگزیر سیاست تقابلی را پیش پای تصمیم‌گیران سیاسی کشور قرار می‌داد. اما در حال حاضر در میان عوامل رقابت‌زا حول موضوع انرژی‌های فسیلی میان ایران و عراق به نظر می‌رسد به دلیل آن که روابط سیاسی در حال پیشرفت و گسترش می‌باشد، هرچند مسئله حاد و تنش‌آفرین باشد (مانند افزایش تولید نفت عراق و پیشی گرفتن از تولید ایران) باز هم رویکرد تقابلی را در سیاست خارجی ایران در قبال آن کشور شکل نداده و مورد اجرا قرار نمی‌دهد.

اما سیاست تقابلی در قبال کشورهای دیگر خلیج فارس می‌تواند به فعلیت برسد. همان طور که پیش از این بیان شد نوع روابط سیاسی با برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به گونه‌ای است که گاهی این روابط دچار تلاطم شده و گاه به اظهار نظرهای تند در قبال آنها رسیده است. بنابراین آنجا که روابط حاکم بر ایران و این کشورها روابطی پرتنهاب و موضع‌گیرانه بوده، عامل انرژی باعث می‌شود سیاست خارجی هر دو طرف، تقابلی پیش رود تا جایی که مثلاً کشوری مانند قطر در مجمع عمومی سازمان ملل در جریان بررسی

برنامه هسته‌ای ایران به صورت ضمنی خواستار تحریم‌های بیشتر جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از این رو از آنجا که نیروی مداخله‌گر نیز رویکردی تقابلی را در قبال ایران اتخاذ کرده است، طبیعی است که رویکرد سیاست خارجی ایران در صورت تضاد منافع در بحث انرژی نیز باهم پیمان این نیرو در منطقه تقابلی می‌تواند باشد.

### ب) رویکرد دوم؛ تعامل

سیاست خارجی تعامل‌گرایانه در برخی حالت توانسته و می‌تواند رویکرد جمهوری اسلامی ایران باشد. در این حالت نوع روابط سیاسی دارای ظرفیت همکاری و تعامل بوده و موضوع پیرامون انرژی‌های فسیلی نیز این امکان را داده است که همکاری و تعامل شکل گیرد، و این مسئله تبدیل به یک فرصت شود. مثلاً نوع روابط سیاسی فعلی ایران و عراق باعث شده است که حول موضوعی مانند اکتشاف در میداین مشترک، انتقال خط لوله گاز ایران به مشتریان خارجی از خاک عراق و بسیاری مسائل دیگر پیرامون انرژی نه تنها تقابلی صورت نگیرد، بلکه حمایت‌های سیاسی و اقتصادی دوجانبه و ایجاد روابطی عمیق‌تر به وجود بیاید. این تعامل و نزدیکی سیاست‌های دوجانبه را می‌توان در نشست خرداد ماه ۱۳۹۱ اوپک به وضوح مشاهده نمود. در این نشست ایران و عراق در موضعی هماهنگ از عربستان سعودی خواستند که میزان تولید خود را کاهش دهد (www. Siastema.com).

### ج) رویکرد مسابقمحور

اساساً فضای بین‌المللی، محیطی است که خواسته یا ناخواسته موجودیت هرکشوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان کار ویژه‌ای اصلی برای هر دولت، مدیریت نحوه تعامل با دنیای خارج است (Ghalibaf, 2009:188). این مدیریت گاه موجب شده است که ابزار دست‌یابی به منافع ملی یعنی سیاست خارجی گاه به سمت تنش و ستیزه پیش رفته و گاه شکلی نرم و رویکردی تعامل‌گرایانه و حتی منفعلانه به خود بگیرد. در منطقه خلیج فارس در طول ادوار مختلف هم شاهد رویکرد نخست و هم شاهد رویکرد دوم بوده‌ایم. اتخاذ هر یک از این



رویکردها در زمان خود گاه اجتناب‌ناپذیر بوده است و گاه می‌توانسته با تغییر رویکرد نتیجه‌ای مناسب‌تر را برای منافع ملی کشور تأمین کند. این به معنای نفی سیاست‌های گذشته نیست. رویکرد مسابقه در سیاست خارجی رویکردی جدیدی است که بیش از اینکه کشور را متغیری وابسته نماید، آن را متغیری مستقل ساخته که تحولات و رویدادهای منطقه‌ای را به صورت وابسته خود در می‌آورد در واقع این رویکرد، همان افزایش کار و تلاش مضاعف است.

در توضیح این رویکرد در سیاست خارجی پیرامون موضوع انرژی‌های فسیلی باید گفت: رویکرد مسابقه‌محور در سیاست خارجی در رابطه با میدین مشترک؛ سیاست خارجی ایران با توجه به اقدامات انجام گرفته در طرف مقابل و به متناسب با آن، اقدامات و سرمایه‌گذاری‌های داخلی را سازماندهی می‌نماید. همچنین در حوزه افزایش تولید و رقابت بر سر میزان آن، رویکرد مسابقه به گونه‌ای است که از همه ظرفیت‌های موجود برای عقب نماندن از این رقابت استفاده می‌نماید و به جای تخریب و موضع‌گیری در مقابل طرف‌های مقابل (تقابل) تلاش دارد در پی راهکارها و امکاناتی در سطح بین‌الملل باشد که زمینه را برای رسیدن به سطح تولید مورد نظر فراهم نماید. بنابراین در رویکرد مسابقه محور به سیاست خارجی، مانند دو رویکرد قبلی چندان شرایط روابط سیاسی دوجانبه و همچنین مسئله مرتبط با انرژی مطرح نیست بلکه با هر سطح روابط و در هر مسئله‌ای می‌توان ورود پیدا کرد و به نتیجه رسید چرا که در واقع سرنوشت مسائل به دست خود است تا تحت تأثیر محیط خارجی.

جدول شماره ۲: رویکردهای سه‌گانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسائل انرژی‌های فسیلی در خلیج فارس

نوع رویکرد	خصوصیات	نمونه‌هایی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسائل انرژی‌های فسیلی
تقابل محور	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شکل‌گیری از طریق نوع مسئله و نوع رابطه میان دو یا چند کشور</li> <li>• واکنش نشان دادن مطابق با عملکرد طرف مقابل</li> <li>• اتخاذ سیاست موضع گیرانه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مطابق با مسئله ای مانند استحصالی شدید انرژی از میادین مشترک از طرف مقابل و موضع‌گیری در نوع رابطه با آن؟</li> <li>• واکنش ایران در زمان جنگ هشت ساله با عراق در قبال اقدامات عربستان و دیگر متحدان منطقه ای این کشور (تهدید از سوی جنگنده‌های ایرانی)</li> <li>• موضع ایران در قبال اظهارات عربستان در خصوص جایگزین نمودن نفت ایران پس از تحریم خرید آن</li> </ul>
تعامل محور	<ul style="list-style-type: none"> <li>• برقراری روابط سیاسی با طرف مقابل با داشتن ظرفیت همکاری؟</li> <li>• تبدیل چالش‌های منطقه‌ای به فرصت برای همکاری</li> <li>• دو یا چند جانبه؟</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حمایت‌های سیاسی و اقتصادی دو جانبه و روابطی عمیق میان ایران و عراق برای همکاری در اکتشاف میادین مشترک و احداث انتقال سولف لوله‌گاز به شعریان عراق؟</li> <li>• پیشنهاد دادن تشکیل اویک‌گازی از سوی جمهوری اسلامی ایران؟</li> <li>• موضع‌گیری همگام ایران یا برخی کشورهای مرکز مانند عمان و کویت پیرامون کاهش میزان تولید بر خلاف خواسته‌های آمریکا</li> </ul>
سابقه محور	<ul style="list-style-type: none"> <li>• رویکردی توسعه محور؟</li> <li>• تبدیل شدن کشور به صورت معبری مستقل در برابر تحولات و رویدادهای منطقه‌ای؟</li> <li>• شکل پیشرفته‌ی رویکرد تعامل محور یا پرهیز از تعامل در موضع سیاسی؟</li> <li>• عدم توجه به شرایط حاکم بر روابط سیاسی دو جانبه؟</li> <li>• استقلال داشتن در نحوه‌ی مدیریت و رویارویی با مسائل مختلف؟</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• در رابطه با میادین مشترک از طریق رسید نمودن اقدامات انجام گرفته از سوی طرف مقابل و به حداکثر رسانی استفاده از توان و سرمایه‌گذاری‌های داخلی متناسب با آن؟</li> <li>• استفاده از ظرفیت‌های موجود در پی کسب واهدکارهایی برای دست‌یابی به اهداف مورد نظر در راستای رقابت کشور بر سر تولید با کشورهای منطقه؟</li> <li>• کارآمد نشان دادن ریاست و دبیرکلی سازمان اویک‌گاز دو اذهان کشورهای عضو؟</li> </ul>

## ۶- نتیجه‌گیری

چالش‌های پیش‌روی سیاست خارجی ایران در خلیج فارس در حوزه انرژی‌های فسیلی اگرچه به صورت ذاتی وجود دارند، لیکن این چالش‌ها عمدتاً سیاسی بوده‌اند تا حقوقی یا فنی. این چالش‌ها گاه در برداشت ناصحیحی از مفاهیمی چون امنیت و گاه به دلایل ایدئولوژیک و یا رقابت بر سر تصاحب قدرت برتر منطقه به وجود آمده است. اما این چالش‌ها به خودی خود در صورتی که عامل دیگری آن را تحت تأثیر قرار ندهد، تا حد زیادی قابل حل بوده و حتی قابلیت تبدیل به فرصت‌های سازنده را نیز دارا می‌باشند چرا که دو موضوع قدرت‌ساز دیگر یعنی ژئوکالچر و ژئواکونومی این توانایی را دارند تا اختلافات ذاتی ژئوپلیتیک اعم از مسائل

انرژی و غیر آن را پوشش دهند. مطابق با نتایج تحقیق سیستم‌های تابعه‌ای که در آنها یک عامل متمایز کننده بسیار خاص مانند انرژی‌های فسیلی وجود داشته باشد، نیروی مداخله‌گر برای تأمین منافع خود در آن پای گذاشته و علاوه بر مسئله‌سازی، به تشدید مسائل ذاتی منطقه می‌پردازد و در نتیجه انرژی‌های فسیلی خلیج فارس محل نزاع سیاست خارجی ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران از طریق بازیگران منطقه‌ای آمریکا شده است. در منطقه خلیج فارس نوع مسائل پیرامون انرژی با یکدیگر متفاوتند. گاه مسئله بر سر میادین مشترک بوده و گاه بر سر رقابت بر سر تولید و مسائل مختلف پیرامون آن. همچنین نوع رابطه‌ی ایران با کشورهای مختلف در آن متغیر و متفاوت می‌باشد. در این مقاله با بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال انرژی‌های فسیلی در زمینه مسائل ناشی میادین مشترک، رقابت در زمینه تولید انرژی و دستیابی بر سر ریاست دبیر کلی اوپک میان ایران و سایر کشورهای خلیج فارس در مرکز و پیرامون، تلاش گردید چالش‌های پیش‌روی سیاست خارجی ایران مورد مطالعه قرار گیرد. در نهایت با بررسی اجمالی رویکردهای سه‌گانه تقابل محور، تعامل محور و مسابقه محور در ارتباط با سیاست خارجی ایران پیرامون مسئله انرژی، تلاش گردید این چالش‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در مجموع از آنجا که در افق چشم‌انداز بیست ساله از یک‌سو، صنعت نفت و گاز نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده است تا به‌عنوان مهمترین مزیت نسبی کشور، توسعه کشور را تسریع کند و از طرف دیگر بازار جهانی به نقش‌آفرینی ایران در این حوزه احتیاج دارد، و می‌بایست رویکرد سیاست خارجی به‌گونه‌ای باشد که رسیدن به قدرت برتر منطقه در ۱۴۰۴ را عینیت بخشد. رویکرد مذکور در نهایت توسعه کشور را به‌دنبال خواهد داشت، چرا که از اسارت نگرشی امنیت محور محض رهایی یافته، و رویکرد توسعه محور را پوشش می‌دهد.

#### ۷- قدرت‌دانی

نگارندگان از معاونت پژوهشی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه تهران به‌خاطر حمایت‌های مادی و معنوی از انجام پژوهش حاضر تشکر می‌نمایند.

### References

1. Cohen, S .B (2009); Geopolitics, Rowan and Littlefield Publishers.
2. Darveshi, Farhad; Nojomi, Ehsan(2007); Iran's Hydrocarbonate Joint Storehouses in Persian Gulf Region: Challenges and Opportunities, Quarterly Geography, Vol 5. No 12 and13[in Persian].
3. Etaat, Javad. (2006); Geopolitics and Iran's Foreign Policy, Tehran: Entekhab Publications [in Persian].
4. Ghalibaf, M.B (2009); Government Iran and Development, ministry of foreign affairs Publications [in Persian].
5. Ghasemi, Farhad ;Salehi, Seyyed Javad (2008); A theoretical perspective on Persian Gulf and related issues, Middle East Publications [in Persian].
6. Hafeznia, Mohammad Reza (2006); Principles and Concepts of Geopolitics, Mashhad: Papoli Publications[in Persian].
7. Heshmatzadeh, Mohammad Reza (2011); Fifty's Opec and Policy, Rahbord Quarterly, Vol 20.No 60 [in Persian].
8. Jones, P (2009); Prelude to the Resource Curs: Oil and Gas Development Strategies in Central Asia and Beyond, Manu Script: Yale University.
9. Klare, M(2004); Bush-Cheney Energy Strategy Procuring the Rest of the World's oil, Foreign Policy in Focus, FDIF Petro politics Special Report, January.
10. Mojtahezadeh, Pirouz(2003); State and Boundaries in Geopolitical Regions of Persian Gulf, Tehran, studies Policy and International Publication [in Persian].
11. Mirabbasi, Seyyed Bagher; Jahani, farrokhzad(2011); Legal Regimen for Exploiting Oil and Gases Joint Fields in Persian Gulf Region form International Law Perspective, Rahbord Quarterly, Vol 20, No 61[in Persian].
12. Nasri, Ghadir(2001); IRI's Oil and National Security, Strategy study Publications [in Persian].
13. Sariolghalam, Mahmoud(2009); Islamic Republic of Iran's Foreign Policy: Potentialities and Flexibility, Internationals Foreign Relation Quarterly, Vol 1, No 1 [in Persian].
14. Solymanimoghaddam, Mohammadreza(2008); An analysis of the role of Persian Gulf on USA's National Security, Economic- Political Information Monthly, No 253. [in Persian].
15. Wallerstein, Emanuel(2005); Politics and culture in the global changing system, Translator: Pirouz, Ezadi, Tehran, Ney Publications [in Persian].
16. www.chinaenergydilemma.com
17. www.csr.ir
18. www.mellatonline.net
19. www.Siastema.com